Wort des Tages لغتِ روز daher

written by مرتضی غلام نژاد | ژانویه 30, 2017

daher یک قید می باشد
از آن سو ، آز آن رو ، از آنجا که ، بدین جهت ، بدین سبب ، بدین علت

Er war frech, daher warf ihn der Lehrer aus der Klasse

او گستاخ بود ، بدین سبب معلم آنرا از کلاس انداخت بیرون

Wir sind zu weit nach Norden geflogen. Daher müssen wir den Kurs ändern

ما بیش از حد به طرف شمال پرواز کرده ایم ، بدین علت باید جهت را عوض کنیم.

Die Krankheit kommt daher, dass er immer den Staub einatmen muss

آن بیماری از آن رو می آید ، که او باید همیشه گرد و خاک را تنفس کند

Sie war krank und konnte daher nicht kommen
او بیمار بود و از آن رو نتوانست بیاید.

توجه داشته باشید که daher کاربرد ها و معنی دیگری نیز دارد ، برای مثال می تواند گاهی اوقات معنی از آنجا را بدهد و همچنین اگر با افعال ترکیب شود ، می تواند از آنها یک فعل جداشدنی با مفهموم جدید بسازد

Von daher muss er gekommen sein
او باید از آنجا آمده باشد

Stammst du auch daher?
تو هم اهل آنجایی ؟

Setz dich daher
تفکر آلمانی : خودت را آنجا بنشان
تفکر فارسی : آنجا بشین

همانطور که دید daher با فعل setzen ترکیب شد و معنی در آنجا یا آنجا نشستن را داد.